

فعالیّت:

با اجرای یک پانتومیم (نمایش صامت = بی صدا) درباره‌ی تفاوت میان نمودِ آوایی و نمودِ حرکتی زبان گفت‌وگو کنید.

پاسخ: در کلاس درس، برای پاسخ گفتن به یک آزمون تستی، از دانش‌آموزان خواسته شود به جای گفتن گزینه‌ی مورد نظرشان (گزینه‌ی ۱، ۲، ۳ یا ۴) [= نمودِ آوایی؛ با حرکت دست، گزینه‌ی خود را اعلام کنند] = نمودِ حرکتی.

بیاموزیم:**کاربرد «پِت = یَ» در زبان فارسی**

نکته‌ی ۱: «پِت = یَ» علامت مصدرساز عربی است. به‌کاربردن این نشانه با «کلمات فارسی» **نادرست** است: واژه‌های «دو»، «خوب»، «شهر»، «رهبر»، «خود»، «آشنا»، «من»، «ایران» و ... واژه‌هایی فارسی هستند و همراه کردن «پِت» با آن‌ها نادرست است: «دوبیت»، «خوبیت»، «شهریت»، «رهبریت»، «خودیت»، «آشنایت»، «منیت» و «ایرانیّت» اشتباه است و شکل درست آن‌ها به‌ترتیب: «دوگانگی»، «خوب بودن»، «شهری بودن»، «رهبری»، «خودی»، «آشنایی»، «غرور و خودخواهی» و «ایرانی بودن» است.

نکته‌ی ۲: در زبان فارسی کلماتی مانند «بشریت»، «انسانیت»، «مدیریت»، «ارجحیت» به‌کار می‌روند و درست هستند چرا که کلمات «بشر»، «انسان»، «مدیر» و «ارجح» واژه‌هایی عربی هستند و می‌توانند با نشانه‌ی «پِت = یَ» همراه شوند.

بشریت یعنی «بشر بودن»؛ انسانیت یعنی «انسان بودن»؛ مدیریت یعنی «مدیر بودن»؛ ارجحیت یعنی «ارجح و برتر بودن».

خودآزایی

۱) تمایز زبان و گفتار را با قواعد شطرنج و بازی شطرنج مقایسه کنید.

پاسخ: توانایی زبان هم‌چون قواعد شطرنج است که خطا و اشتباهی در آن وجود ندارد و گفتار همانند بازی شطرنج است که امکان بروز اشتباه در آن هست. همان‌گونه که زبان، خطای گفتار را برطرف می‌کند، قواعد شطرنج نیز خطای بازی شطرنج را اصلاح می‌نماید.

۲) چگونه می‌توانیم ثابت کنیم که ناشنویان از توانشِ زبانی برخوردارند؟

پاسخ: با تمایز میان زبان و گفتار می‌توانیم ثابت کنیم که ناشنویان از توانایی زبان محروم نیستند فقط آن‌ها به‌هنگام استفاده از زبان به جای نمودِ آوایی (= گفتار) از حرکت دست‌ها و لب‌ها (= نمودِ حرکتی) کمک می‌گیرند.

۳) فواید تمایز میان زبان و گفتار را در یک بند بنویسید.

پاسخ: درمی‌یابیم که اشتباه و خطا در گفتار رخ می‌دهد و رفع و اصلاح آن به وسیله‌ی زبان صورت می‌گیرد. به کمک آن، نشان می‌دهیم کسانی که از قدرت گفتار بی‌بهره‌اند (مانند کرولال‌ها) هرگز از نعمت زبان محروم نیستند، و فایده‌ی پایانی آن که نشان می‌دهیم که چرا گوناگونی‌های سبکی، لهجه‌ای و حتی گویشی به یگانگی زبان آسیب نمی‌رسانند.

۴) چرا به‌کار بردن کلماتی چون «آشنایت»، «خوبیت» و «ایرانیّت» درست نیست؟ شکل درست این کلمات را بنویسید.

پاسخ: زیرا واژه‌های «آشنا»، «خوب» و «ایران» کلماتی فارسی هستند و همراه ساختن واژه‌های فارسی با «پِت» (مصدرساز عربی) نادرست است.

شکل درست: آشنایت ← آشنایی؛ خوبیت ← خوب بودن (خوبی)؛ ایرانیّت ← ایرانی بودن. [این کار خوبیت ندارد (نادرست)] ← [این کار شکل خوبی ندارد] یا «این کار خوب نیست» (درست)

معنی برخی از واژه‌ها و ترکیبات درس اول

نمود آوایی: نمایش و نشان دادن به کمک صدا (آوا) // **تمایز:** با هم تفاوت و اختلاف داشتن // **سهو:** اشتباه و خطا // **بُروز:** نمایان، آشکار و پدیدار شدن // **صامت:** بی‌صدا // **سَبک:** روش، طرز و شیوه‌ای خاص // **گویش:** شکلی از زبان است که علاوه بر تلفظ، در انتخاب کلمات و قواعد دستوری نیز با هم فرق دارند // **دامن زدن به چیزی:** پرداختن به چیزی و شعله‌ور نمودن آتش آن (← کنایه) // **توانش:** قدرت، توانایی.



سؤالات امتحان نهایی

- ۱- تمایز زبان و گفتار را با بازی شطرنج و قواعد شطرنج مقایسه کنید. (سراسر کشور فرداد ۹۰)
- ۲- چرا گوناگونی سبکی و لهجه‌ای به یگانگی زبان آسیب نمی‌رساند؟ (سراسر کشور فرداد ۹۰)
- ۳- رفع و اصلاح اشتباه در گفتار، به چه وسیله‌ای انجام می‌گیرد؟ (سراسر کشور شهریور ۹۰)
- ۴- چرا به کار بردن کلماتی چون «آشنایی» درست نیست؟ شکل درست آن را بنویسید. (سراسر کشور شهریور ۹۰)
- ۵- در چه مواقعی از توانایی‌های زبان بهره می‌گیریم، بی آن‌که ضرورتاً پای گفتار در میان باشد؟ (دو مورد) (سراسر کشور شهریور ۹۰)
- ۶- فواید تمایز میان زبان و گفتار را بنویسید. (دو مورد) (منتخب استان تهران)
- ۷- زبان یکی از توانایی‌های است، حال آن‌که گفتار، فقط نمود این توانایی است. (منتخب استان تهران)
- ۸- چرا سخن‌گویان گویش‌های مختلف، در فهم سخنان یک‌دیگر با اشکال روبه‌رو می‌شوند؟ (منتخب استان تهران)
- ۹- کدام واژه در جمله‌ی زیر، به شکل نادرست به کار رفته است؟ علت نادرستی آن را توضیح دهید و شکل درست آن را بنویسید: رهبریّت جوامع باید به‌دست افراد کاردان سپرده شود. (منتخب استان تهران)
- ۱۰- چگونه می‌توانیم ثابت کنیم که ناشنویان از توانش زبانی برخوردارند؟ (منتخب استان تهران)
- ۱۱- دو تفاوت بین زبان و گفتار را بنویسید. (منتخب استان تهران)

پاسخ سؤالات امتحان نهایی

- ۱- توانایی زبان مانند قواعد شطرنج به دور از خطا و اشتباه است ولی گفتار همانند بازی شطرنج، دچار خطا و اشتباه می‌شود.
- ۲- این گوناگونی‌ها عمدتاً به گفتار مربوط می‌شود نه به زبان.
- ۳- به وسیله‌ی «زبان»
- ۴- زیرا «یت» مخصوص کلمات عربی است و «آشنا» واژه‌ای فارسی می‌باشد $\xleftarrow{\text{شکل درست}}$ «آشنایی»
- ۵- در مواقعی که سخن نمی‌گوییم یا به سخن دیگران گوش نمی‌دهیم، یا در حال فکر کردن هستیم. (دو مورد)
- ۶- می‌توانیم اشتباه و خطایی را که در گفتار رخ می‌دهد با زبان، اصلاح و رفع کنیم. / می‌توانیم نشان بدهیم کسانی که به طور مادرزاد یا به سبب تصادف از قدرت گفتار بی‌بهره‌اند، به هیچ وجه از نعمت زبان محروم نیستند. / براساس این تمایز، می‌توانیم نشان‌دهیم که چرا گوناگونی سبکی و لهجه‌ای و حتی گویشی به یگانگی زبان، آسیب نمی‌رساند. (دو مورد)
- ۷- ذهن انسان / آوایی
- ۸- زیرا نوع کلمات و قواعد دستوری این گویش‌ها با هم تفاوت دارند.
- ۹- رهبریّت / «یت» در آخر واژه‌های عربی می‌آید؛ آوردن این پسوند در آخر واژه‌های فارسی، نادرست است. «رهبر» واژه‌ای فارسی است. / شکل درست «رهبری».
- ۱۰- ناشنویان به جای نمود آوایی از نمود حرکتی بهره می‌گیرند و نمود حرکتی، دلیل بر توانش زبانی است.
- ۱۱- زبان، یکی از توانایی‌های ذهن انسان است اما گفتار فقط نمود آوایی این توانایی ذهنی است // در زبان به عنوان توانایی ذهنی، هیچ‌گونه سهو و خطایی وجود ندارد؛ فقط در گفتار ممکن است سهو یا خطایی پدید آید.

درس دوم

جمله

... دستور زبان فارسی

□ **جمله** ← سخنی است که از نهاد و گزاره تشکیل شده است: «ما هر روز صبح محمد را در خیابان می‌بینیم».

□ **نهاد** ← کلمه یا گروهی از کلمات است که درباره‌ی آن خبر می‌دهیم؛ یعنی ← «صاحب خبر» است.

□ نهاد دو گونه است:
 نهاد جدا
 نهاد پیوسته

□ **نهاد جدا** ← گروه اسمی است که معمولاً در ابتدای جمله می‌آید و اغلب می‌توان آن را حذف کرد. («ما» در مثال بالا)

□ **نهاد پیوسته** ← همان شناسه است که «شخص» و «شمار» فعل را تعیین می‌کند و قابل حذف نیست. («یم» در فعل «می‌بینیم» در مثال بالا)

□ **نکته‌ی ۱: روش شناسایی «نهاد (جدا)» در جمله:** از فعل جمله می‌پرسیم «چه کسی؟» یا «چه چیزی؟» پاسخی که می‌شنویم، همان نهاد جمله است؛ مانند: «انسان موفق برای رسیدن به هدف تلاش می‌کند».

چه کسی تلاش می‌کند؟ ← «انسان موفق» ← نهاد

«همیشه شاگردان کلاس سوم در آزمون‌ها پیروز می‌گردند».

چه کسانی پیروز می‌گردند؟ ← «شاگردان کلاس سوم» ← نهاد

□ **گزاره** ← خبری است که درباره‌ی نهاد داده می‌شود:

در مثال‌های بالا ← «هر روز صبح محمد را در خیابان می‌بینیم» // «برای رسیدن به هدف تلاش می‌کند» // «همیشه در آزمون‌ها پیروز می‌گردند» ← گزاره هستند.

□ **نکته‌ی ۲: روش شناسایی «گزاره» در جمله:** اگر نهاد را از جمله برداریم، هر آن چه که (از جمله) باقی می‌ماند ← «گزاره» است.

فعلیت:

الف) جمله‌های زیر را به دو قسمت نهاد و گزاره تقسیم کنید و نمودار بنویسید.

ب) نهاد جدا و پیوسته‌ی آن‌ها را پیدا کنید.

□ - موفق و سربلند باشید.

□ هم‌کلاسی‌های امروز ما، دوستان صمیمی فردای ما هستند.

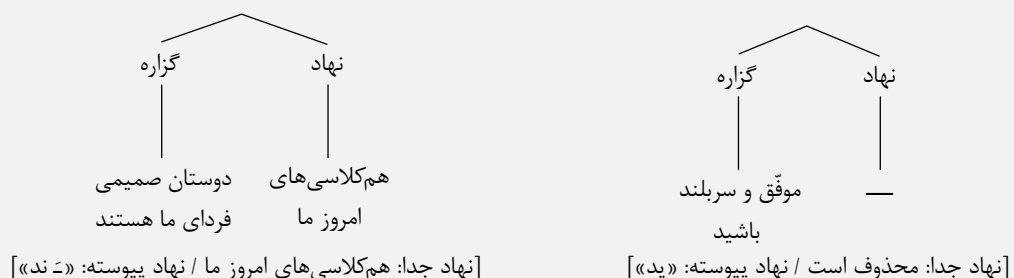
□ - قدر زندگی را بدانیم.

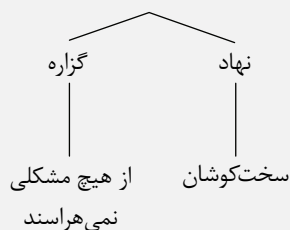
□ سخت‌کوشان از هیچ مشکلی نمی‌هراسند.

□ - راز موجودات جهان را از که بپرسیم؟

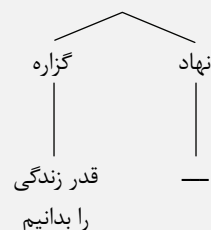
□ دانش‌آموزان از خواندن کتاب‌های خوب لذت می‌برند.

پاسخ:

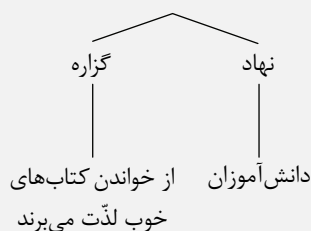




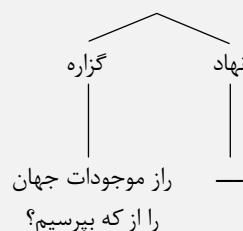
[نهاد جدا: سخت کوشان / نهاد پیوسته: «ند»]



[نهاد جدا: محذوف است / نهاد پیوسته: «یم»]



[نهاد جدا: دانش آموزان / نهاد پیوسته: «ند»]



[نهاد جدا: محذوف است / نهاد پیوسته: «یم»]

□ نکته ی ۳: همان گونه که در مثال های بالا می بینیم در جملاتی که نهاد جدا وجود ندارد، در نمودار به جای آن ← نشانه ی «—» می گذاریم.

مطابقت نهاد جدا و نهاد پیوسته (= شناسه)

☆ نهاد جدا و نهاد پیوسته (= شناسه ی فعل) از نظر شخص (= اوّل شخص، دوم شخص، سوم شخص) و شمار (مفرد و جمع) با هم مطابقت می کنند؛ یعنی با فعل مفرد، نهاد مفرد می آید و با فعل جمع، نهاد جمع.

مثال: «دوست قدیمی من به ملاقاتم آمد»

[نهاد جدا ← مفرد] [د ← شناسه ی مفرد]

«دوستان قدیمی من به ملاقاتم آمدند»

[نهاد جدا ← جمع] [ند ← شناسه ی جمع]

استثنائات مطابقت نهاد جدا و پیوسته

☆ در بعضی موارد ممکن است برای نهاد مفرد ← فعل جمع و یا برای نهاد جمع ← فعل مفرد بیاید:

□ مورد اوّل: برای احترام ← هرگاه نهاد جمله دارای احترام باشد مانند (پدر، مادر، استاد، پیامبر (ص) و ...) فعل جمله را هم می توانیم مفرد بیاوریم و

هم جمع: «حضرت پیامبر (ص) پس از فتح مکه دشمنان شکست خورده را بخشیدند (بخشید).»

«استاد به کلاس درس آمدند (آمد).»

□ مورد دوم: نهاد جمع غیرجاندار ← هرگاه نهاد جمله ← جمع غیرجاندار باشد، فعل جمله را هم می توانیم جمع بیاوریم و هم مفرد:

«همین نهال های کوچک روزی میوه خواهد داد (خواهند داد).»

«این ظرف ها شکستنی است (هستند).»

«کتاب ها بر زمین ریخت (ریختند).»

☆ زمانی که نهاد جمله ← جمع غیرجاندار باشد و آرایه ی «تشخیص» نیز داشته باشد (یعنی به نهاد، شخصیت و ویژگی انسانی داده باشند) حتماً ← باید

فعل جمله را جمع بیاوریم (مفرد، نادرست است): کتاب ها بر زمین ریخت. (درست) // کتاب ها انسان را رهبری می کند. (نادرست) ← «کتاب ها انسان را رهبری

می کنند.» (درست)

□ **مورد سوم: اسم‌های مبهم** ← هرگاه نهاد جمله ← یکی از اسم‌های مبهم (هریک، هرکدام، هیچ‌یک، هیچ‌کدام و ...) باشد، فعل جمله را هم می‌توانیم **مفرد** بیاوریم و هم **جمع**:

«هریک از شاعران نامدار ایران مثل ستاره‌ای در آسمان ادب فارسی می‌درخشند (می‌درخشد).»
«هیچ‌کدام از دوستانم بی‌معرفت نیستند (نیست).»

□ **مورد چهارم: واژه‌های «گله، رمه، کاروان، قافله، لشکر، سپاه، مجلس، شورا، گروه و ...»** هرگاه که نهاد واقع شوند ← فقط فعل **مفرد** می‌گیرند:
«قافله حرکت کرد.» (درست) // «قافله حرکت کردند.» (نادرست)
«مجلس، این طرح را تصویب کرد.» (درست) // «تصویب کردند» (نادرست)

☆ به این واژه‌ها (گله، سپاه، تیم، مجلس، خانواده، شورا و ...) اصطلاحاً «**اسم جمع**» می‌گویند.

□ **نکته ۴: واژه‌ی «مردم»** [هرگاه نهاد جمله قرار بگیرد] حتماً فعل **جمع** می‌گیرد (← مفرد، نادرست است) و واژه‌ی «ملت» [اگر نهاد جمله باشد] هم فعل **جمع** می‌گیرد و هم **مفرد**:

«مردم، اراده‌ی خود را نشان دادند.» (درست) // «نشان داد» (نادرست)

«ملت ایران سربلند است.» یا «ملت ایران سربلند هستند.» (← هر دو درست)

□ **نکته ۵: تفاوت حرف عطفی «و» و حرف اضافه‌ی «با»** هرگاه که با نهاد همراه شوند:

اگر نهاد جمله همراه «با» بیاید، فعل با کلمه یا کلمات پیش از «با» مطابقت می‌کند؛ زیرا آن چه بعد از «با» می‌آید، متمم است نه جزئی از نهاد:

من با علی می‌روم. (می‌رویم ← نادرست است زیرا نهاد جمله فقط واژه‌ی «من» است).

تو با محمد می‌روی. (می‌روید ← نادرست است زیرا نهاد فقط «تو» است و «محمد» ← نقش «متمم» دارد).

او با حسین می‌رود. (می‌روید ← نادرست است)

من با داود و مهدی می‌روم. (داود و مهدی ← نقش متممی دارند و جزئی از نهاد نیستند)

علی و محمد با مهدی می‌آیند. (فعل جمع است و درست است زیرا نهاد جمله که قبل از «با» آمده (= علی و محمد) از یکی بیشتر است و فعل باید به صورت جمع بیاید).

□ **نکته ۶: اگر من یا ما همراه شخص دیگری، نهاد قرار گیرد (بین آن‌ها «و» بیاید نه «با»)** ← فعل به صورت **اول شخص جمع** می‌آید:

من و تو می‌رویم تو و من می‌رویم من و حسین می‌رویم

علی و ما می‌رویم حسن و من می‌رویم ما و حسین می‌رویم

□ **نکته ۷: اگر تو یا شما همراه شخص دیگری - جز من و ما - نهاد قرار گیرد (بین آن‌ها «و» بیاید)** ← فعل به صورت **دوم شخص جمع** می‌آید:

شما می‌روید شما و علی می‌روید او و تو می‌روید تو و آن‌ها می‌روید

تو و او می‌روید تو و ایشان می‌روید شما و ایشان می‌روید شما و آن‌ها می‌روید

بیاموزیم:

اضافه کردن «ی» به ترکیبات وصفی

□ **نکته ۱: (در ترکیبات وصفی) در صفت‌هایی که مختوم به «ای = i» هستند مانند: صمیمی، رنگی، قوی، متقی، مساوی، نامی و ...** ← بهتر است «ی» به موصوف (کلمه‌ی اول ترکیب) افزوده شود:

□ ابوعلی سینا حکیمی نامی بود. (درست)

□ ابوعلی سینا حکیم نامی‌ای بود. (نادرست)

□ من دوستی صمیمی دارم. (درست)

□ من دوست صمیمی‌ای دارم. (نادرست)

□ او اراده‌ای قوی دارد. (درست)

□ او اراده‌ی قوی‌ای دارد. (نادرست)



□ نکته ۷: گاهی با اضافه کردن یک صفت دیگر، چنین جملاتی را به شکل معمولی آن‌ها می‌نویسیم:

□ من از دوست صمیمی و مُخلصی برای مشورت کمک گرفتم.

□ شما در این صفحه عکس رنگی مناسبی نمی‌بینید.

□ ابوعلی سینا حکیم نامی و متفکری بود.

□ او اراده‌ی قوی و بی‌نظیری دارد.

خودآزمایی

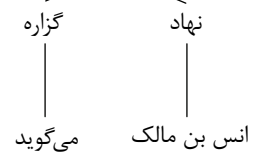
۱) در متن زیر، این تمرین‌ها را انجام دهید.

الف) نمودار ساده‌ی هر جمله را رسم کنید و جمله‌ها را زیر نمودار بنویسید.

ب) نهاد جدا و پیوسته‌ی جمله‌ها را مشخص کنید و بنویسید در کدام جمله‌ها، نهاد جدا با پیوسته مطابقت ندارد. دلیل عدم تطابق نهادها را بنویسید.
 آنس بن مالک می‌گوید: روزی رسول اکرم (ص) به خانه‌ی مادر آمدند. برادر کوچکم، ابوعمیر، سخت دل‌تنگ و اندوهگین بود. حضرت رسول (ص) علت دل‌تنگی برادرم را از ما پرسیدند. مادر گفت: ابوعمیر پرنده‌ی زیبایی داشت که غالباً با آن سرگرم می‌شد. اینک آن پرنده مرده است. رسول اکرم (ص) نیز اندوهگین گردیدند.

پاسخ:

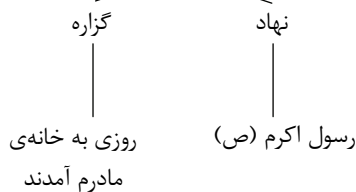
جمله‌ی اول



[نهاد جدا: انس بن مالک / نهاد پیوسته: «د»]

/ مطابقت: دارد ← نهاد: مفرد ← فعل: مفرد]

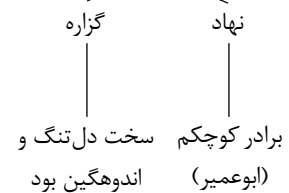
جمله‌ی دوم



[نهاد جدا: رسول اکرم (ص) / نهاد پیوسته: «د»]

/ مطابقت: ندارد / علت عدم تطابق: برای احترام]

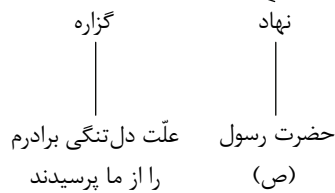
جمله‌ی سوم



[نهاد جمله: برادر کوچکم / نهاد پیوسته: محذوف است (∅)]

/ مطابقت: دارد] ← (ابوعمیر: نقش «بدلی» در این جمله دارد)

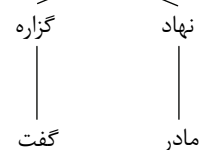
جمله‌ی چهارم



[نهاد جدا: حضرت رسول (ص) / نهاد پیوسته: «د»]

/ مطابقت: ندارد / علت: برای احترام]

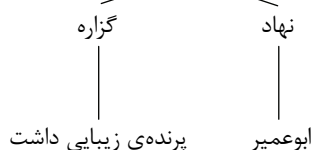
جمله‌ی پنجم



[نهاد جدا: مادر / نهاد پیوسته: محذوف است (∅)]

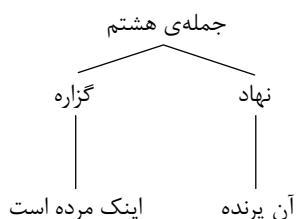
/ مطابقت: دارد]

جمله‌ی ششم

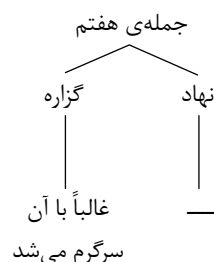


[نهاد جدا: ابوعمیر / نهاد پیوسته: محذوف است (∅)]

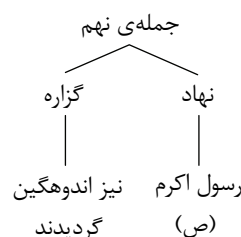
/ مطابقت: دارد]



[نهاد جدا: آن پرنده / نهاد پیوسته: محذوف است (∅)]
[مطابقت: دارد]



[نهاد جدا: محذوف است (—) / نهاد پیوسته: محذوف است (∅) / مطابقت: دارد]



[نهاد جدا: رسول اکرم (ص) / نهاد پیوسته: «ند» / مطابقت: ندارد / علت عدم تطابق: برای احترام]

*نکته: همان‌گونه که در مثال‌های بالا می‌بینیم در فعل‌هایی که شناسه ندارند، به جای «شناسه‌ی محذوف» ← از نشانه‌ی «∅» استفاده می‌کنیم: فعل «می‌شد»: نهاد پیوسته (شناسه): ∅ یعنی ← شناسه در این فعل محذوف است.

(۲) برای جمله‌های زیر، فعل‌هایی با شناسه‌ی مناسب بیاورید و رابطه‌ی شناسه را با نهاد از نظر شمار بررسی کنید.
مثال:

□ علی و مسعود با هم به دبیرستان (رفتن) ← علی و مسعود با هم به دبیرستان رفتند (نهاد جمع ← شناسه‌ی جمع)

□ بسیاری از انسان‌ها از نظر رنگ و نژاد و زبان با هم اختلاف (داشتن) اما از نظر اصل انسان بودن با هم مشترک (بودن).

پاسخ: داشتن ← دارند (نهاد جمع ← شناسه‌ی جمع)

بودن ← هستند (نهاد جمع ← شناسه‌ی جمع)

□ در قرن چهارم هجری، ملت ایران با تکیه بر زبان و فرهنگ خود درخت تازه اما اصیلی را (پروردن) که در آب و هوای اسلام پرورش (یافتن).

پاسخ: پروردن ← پرورد یا (پروردند) (نهاد مفرد ← شناسه‌ی مفرد یا شناسه‌ی جمع)

☆ همان‌گونه که گفته شد واژه‌ی «ملت» هرگاه نهاد باشد فعل را هم می‌توانیم مفرد بیاوریم و هم جمع.

یافتن ← یافت (نهاد مفرد [= درخت تازه] ← شناسه‌ی مفرد)

□ ملّتی که طالب استقلال سیاسی (بودن)، به زبان ملّی خود سخن (گفتن).

پاسخ: بودن ← است یا (هستند) (نهاد مفرد ← شناسه‌ی مفرد یا جمع)

گفتن ← می‌گوید یا (می‌گویند) (نهاد مفرد ← شناسه‌ی مفرد یا جمع)

□ ما و فردوسی با وجود هزار سال فاصله‌ی زمانی، با زبان فارسی پیوندهایی مشترک (داشتن).

پاسخ: داشتن ← داریم (نهاد جمع ← شناسه‌ی جمع)

□ با دیگران چنان رفتار (کردن) که دوست داری دیگران با تو رفتار (کردن).

پاسخ: کردن (۱) ← کن (نهاد مفرد [= تو: محذوف] ← شناسه‌ی مفرد)

کردن (۲) کنند (نهاد جمع [= دیگران] ← شناسه‌ی جمع) ← ... رفتار کن ... تو رفتار کنند.

□ کتاب‌ها از دستم رها (شدن) و بر زمین (افتادن).

پاسخ: شدن ← شدند یا (شد) (نهاد جمع غیرجاندار ← شناسه‌ی جمع یا مفرد)

افتادن ← افتادند یا (افتاد) (نهاد جمع غیرجاندار ← شناسه‌ی جمع یا شناسه‌ی مفرد)

□ امیر با دوستش جمعه‌ها به کوه‌نوردی (رفتن).

پاسخ: رفتن ← می‌رود (نهاد مفرد [= امیر] ← شناسه‌ی مفرد)

☆ نهاد جمله‌ی بالا فقط «امیر» است؛ «دوستش» نقش متممی دارد و جزئی از نهاد به‌شمار نمی‌آید.

۳) تفاوت زبان و گفتار را در یک بند بنویسید.

پاسخ: با توجه به آموخته‌های خود در درس اول، تفاوت زبان و گفتار را در یک بند بنویسید. ← (زبان ← یکی از توانایی‌های ذهن انسان است؛ گفتار ← فقط نمود آوایی این توانایی ذهنی است و ...)

معنی برخی از واژه‌ها و ترکیبات درس دوم

غنی: توانگر، بی‌نیاز، ثروتمند // پُربار: پرمیوه، پُرثمر // سخت‌کوش: بسیار کوشا و پُرتلاش // می‌بالیم: می‌نازیم، (به آن) افتخار می‌کنیم [معنی دیگر «بالیدن» ← رشد و نمو کردن] // رمه: گله، گروه، دسته // نامی: نام‌آور، مشهور // مُخلص: دوست پاک و بی‌ریا و صادق // اصیل: ریشه‌دار، دارای اصل و نژاد.

سوالات امتحان نهایی

- ۱- با توجه به جمله‌ی «فرشتگان سرودهای صلح و شادی انسان‌ها را برای چوپانان خواندند.» مفرد آوردن کدام یک از اجزا، بر فعل تأثیر دارد؟
 الف) انسان‌ها ب) فرشتگان ج) سرودها د) چوپانان (سراسر کشور فرداد ۹۰)
- ۲- نهاد کدام یک از جمله‌های زیر با فعل مطابقت ندارد؟ چرا؟
 الف) حضرت پیامبر (ص) پس از فتح مکه دشمنان شکست‌خورده را بخشیدند.
 ب) ایرانیان به سپاه اسلام می‌گرویدند.
 ج) کدام یک از جمله‌های زیر درست‌تر است؟ چرا؟
 الف) من از مشاور عالی‌ای برای انتخاب رشته کمک گرفتم.
 ب) من از مشاور عالی برای انتخاب رشته کمک گرفتم.
 د) در جمله‌ی زیر «نهاد جدا» و «شناسه» را مشخص کنید.
 «در هشت سالگی واقعه‌ی مهمی برایم پیش آمد.»
 ۵- برای نهاد «تو و ایشان» با مصدر «آمدن» فعل مناسب بنویسید.
 ۶- در کدام یک از جمله‌ها نهاد جدا با پیوسته مطابقت ندارد؟ دلیل عدم تطابق آن را بنویسید.
 الف) مدیر مدرسه در مورد اردوی دانش‌آموزی مطالبی را فرمودند.
 ب) دانش‌آموزان از خواندن کتاب‌های خوب لذت می‌برند.
 ۷- جمله‌ی زیر را به دو صورت ویرایش کنید:
 رستم در شاهنامه، پهلوان قوی‌ای توصیف شده است.
 ۸- با توجه به نهاد سه جمله‌ی زیر، از مصدرهای داخل کمانک، فعل مناسب بنویسید:
 الف) ما و فردوسی با وجود هزار سال فاصله‌ی زمانی، با زبان فارسی، پیوندهایی مشترک (داشتن).
 ب) تو با دوستت، جمعه‌ها به کوه‌نوردی (رفتن).
 پ) من و دوستم، سخنان معلّم خود را (شنیدن).
 ۹- نوع نهاد را در جمله‌های زیر مشخص کنید: (از نظر جدا، پیوسته و تهی)
 الف) سرزمین ما زمرد است.
 ب) سرودهای صلح و شادی انسان را برای چوپانان خواندند.
 ۱۰- با رسم نمودار، نهاد جدا و پیوسته‌ی جمله‌ی زیر را مشخص کرده، بنویسید نهاد جدا با نهاد پیوسته مطابقت دارد یا نه؟ در صورت عدم تطابق، دلیل آن را بنویسید:
 بیشتر وقایع تاریخی اتفاق نیفتاده است.

پاسخ سؤالات امتحان نهایی

۱- ب) فرشتگان [نهاد جمله]

۲- جمله‌ی «الف» / برای احترام

۳- جمله‌ی «ب» / زیرا در صفت‌هایی که مختوم به «ای - i» هستند، بهتر است «ی» به موصوف افزوده شود.

۴- نهاد جدا: واقع‌ی مهمی / شناسه: Ø

۵- تو و ایشان آمدید.

۶- جمله‌ی «الف» ← به دلیل احترام

رستم در شاهنامه، پهلوانی قوی توصیف شده است.

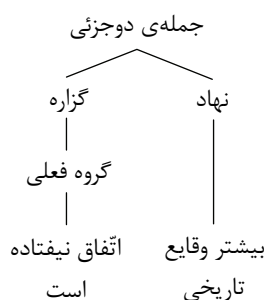
۷- ویرایش جمله به دو صورت > رستم در شاهنامه، پهلوان قوی و پُرتوانی توصیف شده است.

۸- الف) داریم / ب) می‌روی / پ) شنیدیم

۹- الف) نهاد جدا: سرزمین ما / نهاد پیوسته: Ø

ب) نهاد جدا: محذوف (ـ) / نهاد پیوسته: ـند

۱۰- جمله‌ی «بیشتر وقایع تاریخی اتفاق نیفتاده است» ← یک جمله‌ی دوجزئی است:



□ در این جمله، نهاد جدا (بیشتر وقایع تاریخی) با نهاد پیوسته (Ø) در فعل، مطابقت ندارد؛ زیرا نهاد جمع است و غیرجاندار ← [برای نهاد جمع غیرجاندار، نهاد پیوسته را به صورت مفرد نیز می‌توانیم به‌کار ببریم. (هم جمع و هم مفرد)]

سؤالات چهارگزینه‌ای

۱- نهاد جدا در جمله‌ی «امروز در زندگانی هر فرد از ساکنان کروی زمین، سعادت و نیک‌بختی یا نکبت و بدبختی در گرو میزان آگاهی و شناخت ملت از ادب و فرهنگ جهانی و معرفت به احوال جهانیان است.» کدام است؟ (سنجش ۸۸)

- ۱) ساکنان ۲) فرهنگ ۳) شناخت ۴) سعادت

۲- نهاد جمله‌ی «امروز با استفاده از الیاف گیاهی، خیزران، ساقه‌ی کتان، شیرهی نی‌شکر، تگه پارچه‌های پنبه‌ای و حتی کاغذهای باطله، کارخانه‌های کاغذسازی بزرگ جهان در کم‌ترین زمان، بیشترین تولید را دارند.» کدام است؟ (زبان ۸۵)

- ۱) کارخانه‌ها ۲) پارچه‌ها ۳) الیاف گیاهی ۴) کاغذهای باطله

۳- با توجه به جمله‌ی «امروز در مطبوعات و زبان منتقدان مطبوعات، اصطلاح غنایی یا لیریک، به معنی محدود و ناقص آن به کار می‌رود.» نهاد جدا کدام است؟ (سنجش ۸۵)

- ۱) محدود ۲) زبان ۳) منتقدان ۴) اصطلاح

۴- کدام جمله از نظر مطابقت نهاد جدا و پیوسته نادرست است؟ (سنجش ۸۳)

۱) همین نهال‌های کوچک روزی میوه خواهند داد.

۲) حضرت پیامبر (ص) پس از فتح مکه، دشمنان شکست‌خورده را بخشیدند.

۳) کاروان پس از ماه‌ها توقف در مدینه، به راه خود ادامه دادند.

۴) هر یک از شاعران نام‌دار ایران، مثل ستاره‌ای در آسمان ادب فارسی می‌درخشند.



درس اول

زبان و گفتار

... زبان‌شناسی

گاهی اتفاق می‌افتد که هنگام گفتن جمله‌ای اشتباه می‌کنیم و بلافاصله متوجه اشتباه خود می‌شویم و آن را اصلاح می‌نماییم. زبان‌شناسان برای حلّ این دوگانگی از تمایز میان زبان و گفتار کمک می‌گیرند.

تمایز (= تفاوت) زبان و گفتار

□ زبان ← یکی از توانایی‌های ذهن انسان است.

□ گفتار ← فقط نمود آوایی این توانایی ذهنی است.

□ در زبان ← به عنوان توانایی ذهنی، هیچ‌گونه سهو یا خطایی وجود ندارد.

□ فقط در گفتار ← ممکن است سهو یا خطایی پدید آید.

مثالی جهت فهم بهتر این مطلب: زبان مانند «جدول ضرب» است که خالی از هرگونه خطا و اشتباهی است و گفتار هم‌چون «عمل ضربی» است که ما با استفاده از جدول ضرب انجام می‌دهیم و ممکن است دچار اشتباه و خطا شویم و مثلاً هفت را در هشت ضرب کنیم و به عدد چهل و نه دست یابیم. این اشتباه ما در محاسبه، ربطی به دستگاه «جدول ضرب» ندارد. (← گفتار اشتباه کرده نه زبان)

□ **خطاها و اشتباهاتی که در «گفتار» پدید می‌آید، ناشی از عوامل زیر است:**

«خستگی»، «بی‌حوصلگی»، «حواس‌پرتی»، «اضطراب» یا دیگر عوامل محیطی.

□ **نکته ۱:** چه مواقعی ما از توانایی زبان برخوردار هستیم:

(۱) هنگامی که سخن می‌گوییم.

(۲) حتی مواقعی که سخن نمی‌گوییم.

(۳) حتی زمانی که به سخنان دیگران گوش نمی‌دهیم.

(۴) در مواقعی که در حال فکر کردن هستیم (بدون آن‌که ضرورتاً پای گفتار در میان باشد).

فایده‌های تمایز زبان از گفتار

فایده‌ی اول: می‌فهمیم که «اشتباه و خطا» در گفتار رخ می‌دهد و رفع و اصلاح آن به وسیله‌ی زبان صورت می‌گیرد.

فایده‌ی دوم: به کمک این تمایز، نشان می‌دهیم کسانی هم که به طور مادرزاد یا به سبب تصادف از قدرت گفتار بی‌بهره‌اند، به هیچ‌وجه از نعمت زبان محروم نیستند. ناشنوایان مسلماً از توانایی ذهنی زبان مانند افراد دیگر برخوردارند؛ با این تفاوت که به هنگام استفاده از آن به جای نمود آوایی (= گفتار) از نمود حرکتی (حرکت دست‌ها و لب‌ها) کمک می‌گیرند.

فایده‌ی سوم: بر اساس آن نشان می‌دهیم که چرا گوناگونی‌های سبکی و لهجه‌ای و حتی گویشی به یگانگی زبان آسیب نمی‌رسانند.

□ علت آسیب نرساندن به یگانگی زبان ← آن است که گوناگونی‌های یاد شده عمدتاً به گفتار مربوط می‌شوند نه به زبان.

□ **نکته ۲:** این امر (= آسیب نرساندن به یگانگی زبان) ← در مورد «گویش‌ها» به طور صددرصد صادق نیست؛ چون دامنه‌ی تفاوت‌های گویشی از

گفتار فراتر می‌رود و به زبان می‌رسد. چرا که گویش‌ها از نظر قواعد دستوری و نوع کلمات نیز با هم فرق دارند. به همین دلیل، ممکن است سخن‌گویان گویش‌های مختلف در فهم سخنان یک‌دیگر با اشکال روبه‌رو شوند.